

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده‌ی ادبیات و زبان‌های خارجی  
گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی

پایان‌نامه برای دریافت درجه‌ی کارشناسی ارشد  
در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی گرایش محض

### **عنوان:**

**زبان استعاری فروغ فرخ‌زاد (با تکیه بر دو مجموعه‌ی تولدی دیگر  
و ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد)**

**استاد راهنما:**

آقای دکتر خدابخش اسداللهی

**استاد مشاور:**

آقای دکتر بیژن ظهیری ناو

**پژوهشگر:**

لطفعلی کارگر قوجابگلو

شهریور ۱۳۹۳

## تعهدنامه‌ی اصالت اثر و رعایت حقوق دانشگاه

تمامی حقوق مادّی و معنوی مترتب بر نتایج، ابتکارات، اختراعات و نوآوری‌های ناشی از انجام این پژوهش، متعلق به **دانشگاه محقق اردبیلی** می‌باشد. نقل مطلب از این اثر، با رعایت مقررات مربوطه و با ذکر نام دانشگاه محقق اردبیلی، نام استاد راهنما و دانشجو بلامانع است.

اینجانب **لطفعلی کارگر قوجابگلو** دانش‌آموخته‌ی مقطع کارشناسی ارشد رشته‌ی **زبان و ادبیات فارسی** گرایش **محض** دانشکده‌ی **ادبیات و زبان‌های خارجی** دانشگاه محقق اردبیلی به شماره‌ی دانشجویی **۹۱۱۱۱۶۳۱۱۷** که در تاریخ **۱۳۹۳/۶/۹** از پایان‌نامه‌ی تحصیلی خود تحت عنوان **زبان استعاری فروغ- فرخ‌زاد (باتکیه بر دو مجموعه‌ی تولدی دیگر و ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد)**

دفاع نموده‌ام، متعهد می‌شوم که:

- این پایان‌نامه را قبلاً برای دریافت هیچ‌گونه مدرک تحصیلی یا به‌عنوان هرگونه فعالیت پژوهشی در سایر دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی داخل و خارج از کشور ارائه ننموده‌ام.
- مسئولیت صحّت و سقم تمامی مندرجات پایان‌نامه‌ی تحصیلی خود را بر عهده می‌گیرم.
- این پایان‌نامه، حاصل پژوهش انجام شده توسط اینجانب می‌باشد.
- در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران استفاده نموده‌ام، مطابق ضوابط و مقررات مربوطه و با رعایت اصل امانتداری علمی، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در متن و فهرست منابع و مأخذ ذکر نموده‌ام.
- چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده یا هرگونه بهره‌برداری اعم از نشر کتاب، ثبت اختراع و ... از این پایان‌نامه را داشته باشم، از حوزه‌ی معاونت پژوهشی و فناوری دانشگاه محقق اردبیلی، مجوزهای لازم را اخذ نمایم.
- در صورت ارائه‌ی مقاله‌ی مستخرج از این پایان‌نامه در همایش‌ها، کنفرانس‌ها، سمینارها، گردهمایی‌ها و انواع مجلات، نام دانشگاه محقق اردبیلی را در کنار نام نویسندگان (دانشجو و اساتید راهنما و مشاور) ذکر نمایم.
- چنانچه در هر مقطع زمانی، خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن (منجمله ابطال مدرک تحصیلی، طرح شکایت توسط دانشگاه و ...) را می‌پذیرم و دانشگاه محقق اردبیلی را مجاز می‌دانم با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات مربوطه رفتار نماید.

نام و نام خانوادگی دانشجو: **لطفعلی کارگر قوجابگلو**

امضا

تاریخ



دانشکده‌ی ادبیات و زبان‌های خارجی  
گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی

پایان‌نامه برای دریافت درجه‌ی کارشناسی ارشد  
در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی گرایش محض

**عنوان:**

**زبان استعاری فروغ فرخ‌زاد (با تکیه بر دو مجموعه‌ی تولدی دیگر  
و ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد)**

پژوهشگر:

لطفعلی کارگر قوجابگلو

ارزیابی و تصویب شده‌ی کمیته‌ی داوران پایان‌نامه با درجه‌ی.....

امضاء	سمت	مرتبه‌ی علمی	نام و نام خانوادگی
	استاد راهنما و رئیس کمیته‌ی داوران	دانشیار	خدابخش اسداللهی
	استاد مشاور	دانشیار	بیژن ظهیری‌ناو
	داور	دانشیار	ابراهیم رنجبر

شهریور-۱۳۹۳

## **تقدیم به:**

مادر و روح آسمانی پدرم که پیوسته جرعه‌نوش تعلیم و تربیت آن‌ها بوده‌ام و هم‌چنین همسر مهربان و همراه همیشگی‌ام که همواره چراغ وجودش روشنگر راه من در سختی‌ها و مشکلات بوده است.

## سپاسگزاری:

از استاد شایسته: جناب آقای دکتر **خدابخش اسداللهی** که در کمال سعهی صدر، با فروتنی و حُسن خلق از هیچ کمکی در این عرصه بر من دریغ ننموده‌اند و زحمت راهنمایی این پایان‌نامه را برعهده گرفتند و از استاد عزیز و ارجمند، جناب آقای دکتر **بیژن ظهیری‌ناو** که زحمت مشاوره‌ی این پایان‌نامه برعهده‌ی ایشان بوده و هم‌چنین از استاد فرزانه، جناب آقای دکتر **ابراهیم رنجبر** که زحمت داوری این پایان‌نامه را متقبل شدند، کمال تشکر و قدردانی را دارم. باشد که این خردترین، بخشی از زحمات آنان را سپاس گوید.

جا دارد از همکاری صمیمانه‌ی دوست و همکار گرامیم، جناب آقای **حسن امیری‌مهر** تقدیر و تشکر نمایم.

نام خانوادگی دانشجو: کارگر قوجابگلو	نام: لطفعلی
عنوان پایان نامه: زبان استعاری فروغ فرخ زاد (با تکیه بر دو مجموعه‌ی تولّدی دیگر و ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد)	
استاد (اساتید) راهنما: جناب آقای دکتر خدابخش اسداللهی استاد (اساتید) مشاور: جناب آقای دکتر بیژن ظهیری‌ناو	
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد گرایش: محض دانشکده: ادبیات و زبان‌های خارجی	رشته: زبان و ادبیات فارسی دانشگاه: محقق اردبیلی تاریخ دفاع: ۱۳۹۳/۶/۹ تعداد صفحات: ۷۹
چکیده: زبان شعر زبان ساده و صریح نیست، هنری پیچیده و مبهم است و برتر از زبان علمی و طبیعی است. چرا که زبان شعری آگاهانه از منش استعاری زبان سود می‌جوید. شاعر با وقوف به این مسئله که استعاره منش اصلی و گوهر زبان است و این که هر معنایی دستِ آخر استعاری است، همواره زبان خود را رندانه به کار می‌گیرد. فروغ فرخ‌زاد نیز از جمله شاعرانی است که با سودجویی از زبان استعاری به شعر خود تشخّص می‌بخشد. هر چند زبان او در ساختار، امروزی و ساده است، اما دستیابی او به زبان استعاری در بیان اندیشه، توان رسانی ایماژهای شعری او را از دایره‌ی درخودفروبوسته‌ی تک‌معنایی می‌رهاند و آفاق تفسیرپذیری شعرش چنان گسترده می‌شود که دسترسی خواننده را در فضای معنایی شعر به کمال آزادی فراهم می‌سازد. استعاره‌های او شعر و مخاطبان شعر را در یک فضای مشترک هرمنوتیک، به دور هسته‌ای از خیال‌پردازی‌هایی که همه در آن شریک هستند، گردهم می‌آورد. فرخ‌زاد با استفاده‌ی آزادانه از کلمات و ترکیبات موردنیاز در شعر خویش، و بیش از آن با تصاویری که پدید آورده، توانسته است برخی مظاهر خشن و ناهموار زندگانی مردم را در شعرش نمایش دهد و به برکت خلاقیت تخیل هر لحظه خواننده را با وصفی دیگر و تصاویری تازه‌تر مجذوب نماید. در این پژوهش، ابتدا به بررسی نقش مجاز و نوآوری‌های فروغ فرخ‌زاد در این زمینه پرداخته، پس از آن ضمن ذکر نمونه‌هایی از استعاره و انواع آن و ارائه‌ی خلاقیت‌ها و نگرش و جهان‌بینی شاعر در خلال اشعار، پیرامون رویکردهای نمادین و اسطوره‌ای بحث شده است. گام آخر پژوهش هم به کنایه و چگونگی انعکاس آن در اشعار موردنظر اختصاص دارد.	
کلید واژه‌ها: استعاره، استعاره‌گونه‌ها، ذهن، زبان، فروغ فرخ‌زاد.	

## فهرست مطالب

شماره و عنوان مطالب	صفحه
<b>فصل اول: کلیات پژوهش</b>	
۱-۱ - مقدمه .....	۲
۲-۱ - بیان مسئله .....	۳
۳-۱ - سؤالات اصلی پژوهش .....	۵
۴-۱ - فرضیات پژوهش .....	۶
۵ - ۱ - هدف (اهداف) پژوهش .....	۶
۶-۱ - ضرورت و اهمیت پژوهش .....	۷
۷-۱ - پیشینه‌ی پژوهش .....	۷
۸-۱ - مواد و روش‌شناسی پژوهش .....	۸

## فصل دوم: مبانی نظری پژوهش

۱-۲ - تعریف زبان .....	۱۰
۱-۱-۲ - نقش‌های زبان .....	۱۱
۱-۱-۱-۲ - نقش عاطفی (emotive function) .....	۱۱
۲-۱-۱-۲ - نقش ترغیبی (conative function) .....	۱۱
۳-۱-۱-۲ - نقش ارجاعی (referential function) .....	۱۲
۴-۱-۱-۲ - نقش فرازبانی (metalinguistic function) .....	۱۲
۵-۱-۱-۲ - نقش همدلی (Phatic function) .....	۱۲
۶-۱-۱-۲ - نقش ادبی (poetic function) .....	۱۲
۲-۱-۲ - زبان و روان‌شناسی .....	۱۳
۳-۱-۲ - تفاوت زبان مردان و زنان .....	۱۴
۴-۱-۲ - زبان و ادبیات .....	۱۵
۲-۲ - واژه و اهمیت آن .....	۱۶
۳-۲ - تعریف شعر .....	۱۷
۱-۳-۲ - تفاوت شعر و نثر .....	۱۷
۴-۲ - تصویر(ایماژ) .....	۱۸



۱۹	۱-۴-۲- تصویر رمانتیک .....
۲۰	۱-۱-۴-۲- استحالهی شاعر در طبیعت و اشیاء.....
۲۰	۲-۱-۴-۲- سایه‌واری ابهام پدیده‌ها در تصویر .....
۲۰	۳-۱-۴-۲- پویایی و تحرک تصویر .....
۲۱	۴-۱-۴-۲- انعکاس فردیت شاعر در تصویر .....
۲۱	۵-۱-۴-۲- اندوه رمانتیک .....
۲۲	۲-۴-۲- حس‌آمیزی .....
۲۳	۳-۴-۲- متناقض‌نما (پارادوکس) .....
۲۴	۵-۲- زبان استعاری .....
۲۴	۱-۵-۲- نگرش یاکوبسون .....

### فصل سوم: بحث و بررسی

۲۷	۱-۳- سال شمار زندگی فرخ‌زاد.....
۲۸	۲-۳- نگاه فرخ‌زاد به مجاز .....
۳۲	۳-۳- استعاره .....
۳۳	۱-۳-۳- انواع استعاره در اشعار فروغ فرخ‌زاد .....
۳۴	۱-۱-۳-۳- استعارهی مصرّحه .....
۴۰	۲-۱-۳-۳- استعارهی مکنیه‌ی تخیلیّه، تشخیص .....
۴۲	۳-۱-۳-۳- استعارهی تبعیه .....
۴۵	۴-۱-۳-۳- استعارهی تهکّمیه .....
۴۶	۵-۱-۳-۳- استعارهی مرکّب .....
۴۹	۴-۳- استعاره‌گونه‌ها .....
۴۹	۱-۴-۳- سمبل (نماد) .....
۵۱	۱-۱-۴-۳- انواع نماد در اشعار فرخ‌زاد .....
۵۱	۲-۱-۴-۳- حیوانات .....
۵۴	۳-۱-۴-۳- پرندگان .....
۵۸	۴-۱-۴-۳- درختان و گل‌ها .....
۶۱	۲-۴-۳- اسطوره و مضامین آن در شعر فرخ‌زاد .....
۶۲	۱-۲-۴-۳- پیامبران .....

- ۶۳ ..... ۳-۴-۲- شخصیت‌های اسطوره‌ای
- ۶۴ ..... ۳-۴-۲- مکان‌های اسطوره‌ای
- ۶۶ ..... ۳-۴-۲- بن‌مایه‌های اساطیری و کهن‌الگوها
- ۶۸ ..... ۳-۵- بررسی کنایه در اشعار فرخ‌زاد

### فصل چهارم: نتایج و یافته‌های پژوهش

- ۷۳ ..... ۴-۱- نتیجه‌گیری
- ۷۵ ..... منابع و مأخذ

فصل اول:

کلیات پژوهش

در یک نگاه کلی زبان به دو دسته‌ی علمی و ادبی قابل تقسیم است. در زبان علمی، پیام به کمک زبانی روشن و ساده و دور از هر گونه پیچیدگی کلامی و بیانی ارائه می‌شود و معانی مستقیم مانع بروز معانی ضمنی و ابهام آمیز و دلالت‌های ثانویه است. حال آن که در زبان ادبی انتقال پیام به صورت غیرمستقیم و غیرعادی است و کارکرد اولیه‌ی زبان یعنی تفهیم و تفهّم در آن نقشی مؤثر ندارد. بنابراین اگرچه در هر دو زبان، واژه عنصر اصلی و بنیادین است؛ اما آن چه این دو شیوه‌ی بیانی را متمایز می‌کند نحوه‌ی استفاده از عناصر زبانی و شگردهای بیانی است (علوی مقدم، ۱۳۷۷: ۶۷).

به جهت این که متن ادبی از نظر به کارگیری زبان مجازی و غیر حقیقی از زبان طبیعی و علمی جداست، یافتن معنای آن به آسانی متون علمی نیست. در زبان علمی پس از یک بار خواندن، معنا در ذهن خواننده نقش می‌بندد و آنچه مقصود نویسنده است، به وسیله‌ی خواننده دریافت می‌شود؛ اما زبان مجازی به خاطر گریز از زبان عادی، معانی بسیاری را در ذهن خواننده می‌آفریند.

ابهام هنری که از عوامل ذاتی شعر است، در حوزه‌ی مجازی زبان صورت می‌گیرد. این حوزه بسیار گسترده است و شامل اغلب صناعات بلاغی همچون مجاز مرسل، استعاره، کنایه، نماد و . . . می‌شود. فروغ فرخزاد از جمله شاعرانی است که با بهره‌گیری از زبان استعاری ابهام شیرین و لذت‌بخشی به شعر خود بخشیده‌اند.

سیر پژوهشی این پایان‌نامه بدین طریق است که با انتخاب روش کتابخانه‌ای ابتدا مجموعه‌های شعری مورد بحث فرخزاد و منابع مربوط به زبان به دقت مورد مطالعه قرار گرفت. سپس ضمن مستندسازی ابیات و شواهد مثال، گونه‌های مختلف زبان استعاری در اشعار فرخزاد مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. بنابراین پایان‌نامه دارای مباحثی به قرار زیر است:

تعریف زبان و نقش‌های مختلف آن، تصاویر شعری در میان شاعران معاصر، نگاه فروغ فرخ‌زاد به مجاز و انواع استعاره و جهان‌بینی و نگرش نهفته در آن، دیدگاه‌های نمادین و اسطوره‌ای فرخ‌زاد، بررسی کنایه در اشعار شاعر مورد بحث.

## ۱-۲- بیان مسئله

«استعاره و مجاز از مهم‌ترین پدیده‌های زبانی هستند که در چارچوب علوم شناختی معنا و مفهوم جدیدی پیدا کرده‌اند. استعاره و مجاز در زبان‌شناسی سستی تنها ابزارهایی برای زیبایی‌تعبیرزبانی بودند؛ اما در چشم‌انداز جدید این علوم، استعاره و مجاز جزء اساسی تفکر بشر و بلکه وجه بنیادی آن هستند. زبان یک صورت اصلی دارد که حقیقت نام دارد. در مقابل، صور فرعی و ثانوی دارد که مجاز و انواع مختلف آن را تشکیل می‌دهد. استعاره هم یکی از انواع مجاز است» (قائمی نیا، ۱۳۹۱: ۳۲).

استعاره را همواره اصلی‌ترین شکل زبان مجازی دانسته‌اند؛ یعنی زبانی که مقصودش همان نیست که می‌گوید. زبان مجازی در نظام کاربرد حقیقی زبان تصرف می‌کند زیرا بر این فرض متکی است که عبارات هر گاه در معنای حقیقی با یک شیء در ارتباط باشند، به شیء دیگری نیز می‌توان منتقلشان کرد. زبان مجازی ممکن است با حس بینایی سروکار داشته باشد اما ابزار اساسی آن زبانی است و در نتیجه با چیزی بسیار بیش‌تر و فراتر از چشم سروکار می‌یابد. «عموماً بر این عقیده‌اند که استعاره انگاره‌ی اصلی انتقالی است که رخ داده؛ بنابراین می‌توان آن را اصلی‌ترین صنعت ادبی کلام دانست» (هاوکس، ۱۳۸۰: ۱۳-۱۲).

در کتب قدما برای استعاره انواع بسیاری ذکر کرده‌اند که بعضی از آن‌ها مربوط به ادب پارسی نمی‌شوند و برخی نیز از چندان اهمیتی برخوردار نیستند؛ برجسته‌ترین انواع استعاره عبارت‌اند از: استعاره‌ی مصرّحه، مکنیه، تخیلیه، قریب، بعید و تمثیلیه (علوی مقدم، اشرف زاده، ۱۳۸۲: ۱۱۸-۱۲۷).

مسئله‌ی اساسی در این پژوهش تعیین جایگاه زبان استعاری و گونه‌های مختلف آن همچون مجاز، استعاره، کنایه، سمبل و اسطوره در مجموعه‌های شعری (تولّدی دیگر و ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد) و ارائه‌ی خلاقیت‌ها و نبوغ فکری و زبان و جهان متفاوت «فرخ‌زاد» با دیگر شعرای معاصر و این که

او چگونه تجربیات و تأثرات خود را از زندگی و محیط طبیعت در دامن تصاویر شعری می‌ریزد که حاصل ذهن هنرمند اوست نه تقلید صرف.

در ادبیات کلاسیک شاعران بزرگی انواع مختلف استعاره را به میزان قابل توجهی به کار گرفته‌اند که در سرتاسر آنها عقل‌گرایی حاکم است؛ لیکن از دوره‌ی صفویه به بعد؛ خاصه در دوره‌ی معاصر، عده‌ای از استعاره‌ها از جمله استعاره‌ی بعید شکل تجرید به خود گرفته‌اند و این خود دلیل واضحی است؛ براین که فرخ‌زاد در زبان استعاری خود تجریدگرایی را بر عقل‌گرایی ترجیح داده است (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۹۰: ۴۶۳). فی‌المثل او درجایی گفته است:

ما حقیقت را در باغچه پیدا کردیم

درنگاه شرم آگین گلی گمنام

و بقا را در یک لحظه‌ی نا محدود

که دوخورشید به هم خیره شدند (فرخ‌زاد، ۱۳۸۹: ۳۶۹).

که در این جا چشم را از نظر نور و حرارت، عشق و حیات بخشی و برق امید، با استعاره‌ی بعید خورشید خوانده است (شمیسا، ۱۳۸۶: ۶۵).

تشخیص یا جاندارانگاری که برجسته‌ترین کار فروغ فرخ‌زاد و جزء استعارات پرکاربرد در اشعار اوست و گستردگی و غنای فوق‌العاده دارد؛ به صورت‌های گوناگون در اشعار او نمایان است. به عنوان نمونه در این جا «ستاره‌ها» اعمال و افعال انسان را انجام می‌دهند:

ستاره‌های کوچک بی تجربه

از ارتفاع درختان به خاک می‌افتند (فرخ‌زاد، ۱۳۸۹: ۳۲۷).

و گاهی تشخیص به صورت خطاب به موجود بی‌جان شکل می‌گیرد؛ که این نیز یکی از زیباترین انواع تشخیص است که تأثیری عمیق در خواننده برجای می‌گذارد:

سلام ای شب معصوم!

سلام ای شبی که چشم‌های گرگ‌های بیابان را  
به حفره‌های استخوانی ایمان و اعتماد بدل می‌کنی  
و در کنار جویبارهای تو، ارواح بیدها  
ارواح مهربان تبرها را می‌بوسند(همان: ۳۰۱).

همچنین تحلیل این مطلب است که چگونه می‌توان به عوالم درونی و نگرش‌ها و سبک متمایز «فرخ‌زاد» در استفاده از استعارات و نحوه‌ی گزینش کلمات و قراردادن آن‌ها در کنار هم، آفرینش تصاویر و اشیاء و خصوصیات افعال پی برد. در شرایطی که گاه او از زبان سمبل و نماد نیز در بیان اندیشه بهره می‌برد:

تمام روز در آینه گریه می‌کردم

بهار پنجره‌ام را

به وهم سبز درختان سپرده بود

تم به پیله‌ی تنهاییم نمی‌گنجید(همان: ۲۳۸).

که در این‌جا آینه رمز خاطرات و دل و ذهن و فکر است و علاوه بر این معنای خود آینه را هم دارد (شمیسا، ۱۳۸۳: ۷۶).

در تحقیق حاضر، تلاش بر این است که با پرداختن به گرایش‌های ذهنی و زبان استعاری فرخ‌زاد در دو مجموعه‌ی شعری اخیرش به اندیشه‌ها و تفکرات مرکزی او در حوزه‌ی ادبیات معاصر پی ببریم لذا پرسش‌های مهمی نظیر پرسش‌های زیر مطرح می‌گردد:

### ۳-۱- سوالات اصلی پژوهش

۱- دلایل و انگیزه‌های اصلی فرخ‌زاد در به کاربردن انواع استعاره در اشعار خود چه بوده است؟

۲- بسامد و میزان تنوع استفاده از استعاره در اشعار او چگونه است؟

۳- وجوه خلاقیت و نبوغ فکری فرخ‌زاد در ارتباط با استعاره معلول چه عواملی است؟

## ۴-۱- فرضیات پژوهش

۱- فرضیه‌ی اول تحقیق حاضر این است که «فرخ‌زاد» نیز همچون معاصرانش در اوج خفقان سیاسی و اجتماعی حاکم، فضا را برای بیان صریح‌تر اندیشه‌ها مناسب نمی‌دید، لذا از زبان استعاری در جهت ابراز افکارش سود می‌جست و با آوردن تصاویری زنده و بدیع، توجه مخاطبان وسیعی را برمی‌انگیخت.

۲- فرضیه‌ی دوم این‌که: اگر به دقت به دو مجموعه‌ی آخر فرخ‌زاد نظر بیفکنیم؛ درمی‌یابیم که انواع مختلف استعاره از جمله استعاره‌ی مصرّحه، مکنّیه، تهکّمیه، تبعیه و مرکّب (تمثیلیه) به میزان قابل توجهی مورد استفاده قرار گرفته و بالاتر از این‌ها آنچه بیش‌تر به ایده‌ی فرخ‌زاد و دیگرشعراي معاصر مربوط می‌شود کاربرد جاندارانگاری، استعاره‌گونه‌ها و رمز است که با این طریق توانسته‌اند مخاطب را از جهانی که می‌شناخته‌اند جدا کنند و رو در روی جهان دیگری بگذارند، که در چنین موقعیتی انسان گرفتار در نابسامانیهای زمانه با پذیرش دلالت استعاری به جهان موردنظر شاعر پای می‌گذارد.

۳- فرضیه‌ی سوم این‌که: فروغ فرخ‌زاد در دو مجموعه‌ی شعری اخیرش خود را از قید شعری کهن رها کرده و همراه با تغییر محتوا، فرم و زبانی مستقل انتخاب کرده که در نوع خودش تازه و بکر است و این تازگی در به کاربردن استعارات نو و بیان دیدگاه‌های تصویری کاملاً مشهود است. او دریچه‌ی جدیدی در شعر نیمایی می‌گشاید و موفق می‌شود محتوای نوی شعرش را در زبانی سهل اما ممتنع و نزدیک به محاوره عرضه نماید. جهان شعری او جهانی است که بیننده و تجربه‌کننده‌اش زنی است آگاه که حتی با کوچک‌ترین مشکلات زندگی هم آشناست.

## ۵-۱- هدف (اهداف) پژوهش

- ۱- رسیدن به ذهن و زبان استعاری فروغ فرخ‌زاد
- ۲- برآورد میزان و بسامد کاربرد استعاره و انواع آن در دو مجموعه‌ی اخیر شعر فرخ‌زاد
- ۳- پی بردن به ارتباط گونه‌های زبان استعاری فرخ‌زاد با نبوغ و جهان‌بینی وی



## ۶-۱- ضرورت و اهمیت پژوهش

نگاهی گذرا به پژوهش‌های آثار فارسی، نشان می‌دهد که متأسفانه پیرامون ذهن و زبان استعاری در آثار نظم فارسی معاصر به خصوص فروغ فرخزاد تحقیقات چشمگیری صورت نگرفته لذا با توجه به این غفلت علمی و کمبود پژوهش در این زمینه ضرورت دارد با نگرش علمی این آثار مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و جهت بهره‌مندی علاقمندان معرفی گردد.

## ۷-۱- پیشینه‌ی پژوهش

در زمینه‌ی تحقیق حاضر، تاکنون کتاب و یا مقاله‌ای مستقل تدوین نشده است: اما می‌توان از منابعی نام برد که به طور غیرمستقیم، به موضوع پژوهش حاضر مربوط می‌شود و مطالبی پراکنده و گاه جزئی، در باب موضوع موردنظر دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد:

براهنی، رضا. ۱۳۸۰، طلادرمس، تهران: زمان.

کتاب «طلادرمس» مجموعه مقالاتی است که بعدها تبدیل به کتابی قطور شده است. موضوعات این کتاب را بیش‌تر تجزیه و تحلیل برخی از اشعار سمبولیک شعرای معاصر تشکیل می‌دهد، همچنین یادداشتی پیرامون مجموعه‌ی شعری «تولد دیگر» فروغ فرخزاد دارد که در آن به بیان تصاویر شعری او پرداخته و ضمن برتری‌دادن ذهن و زبان او بر دیگر شاعران معاصر به نیرومندی اندیشه و تخیل او تاکید می‌ورزد.

حقوقی، محمد. ۱۳۸۴، شعر زمان ما، تهران: نگاه.

نویسنده در این کتاب، ابتدا توضیحی درباره‌ی جوانب شاعری فروغ فرخزاد داده و به شرح مختصر برخی از اشعار او، از جمله «تولد دیگر» و «ایمان بیاوریم به .....» پرداخته است. بخش دوم کتاب شامل برگزیده‌ی اشعار "فروغ" است و فصل آخر هم به گزیده‌ی مقالات در خصوص تحلیل شعرهای موفق او اختصاص یافته است.

دهباشی، علی. ۱۳۸۳، زنی با دامنی شعر: جشن‌نامه‌ی سیمین بهبهانی، تهران: نگاه.

این کتاب مجموعه مقالات و خطابه‌هایی درباره‌ی سیمین بهبهانی است که به کوشش علی دهباشی به صورت کتاب گردآوری شده و در آن مقاله‌ای از «پرتو نوری‌علاء» آمده که دیدگاه‌های خود را درباره‌ی ویژگی‌ها و سبک شعری فروغ فرخزاد در دو کتاب او «تولد دیگر و ایمان بیاوریم به.....» بیان می‌کند و همچنین مقاله‌ای از «حورا یآوری» که در آن به تأثیر دلالت استعاری شاعران در جهان‌بینی انسان‌ها اشاره شده است.

شفیعی‌کدکنی، محمدرضا. ۱۳۹۰. با چراغ و آینه، تهران: سخن.

نویسنده در این کتاب، ضمن مقایسه‌ی استعاره‌های پروین اعتصامی با فروغ فرخزاد، پروین را شاعری عقل‌گرا و فروغ فرخزاد را شاعری تجرّدگرا معرفی کرده است.

#### ۱-۸- مواد و روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای بوده و جامعه‌ی آماری آن، اشعار فروغ فرخزاد، به خصوص، دو مجموعه‌ی آخر وی (تولد دیگر و ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد) است. پس از روشن‌کردن تعریف مسئله و بیان حدود تحقیق به شناسایی منابع مربوط و فیش‌برداری از مطالب لازم از مقدمات کار حاضر پرداخته می‌شود. بعد از جمع‌آوری مطالب از اشعار مذکور و نیز برخی از شعر شاعران معاصر بحث مقدماتی را درخصوص گونه‌های زبان استعاری و ارتباط آن بانبوغ و خلاقیت شاعر مطرح می‌کنیم. سپس بحث اصلی را شروع کرده و ضمن ذکر نمونه‌هایی، به توضیح درباره‌ی مطالبی که در فرضیات و اهداف پژوهشی ذکر شد، می‌پردازیم.

فصل دوم:

مبانی نظری پژوهش

## ۲-۱- تعریف زبان

«زبان دستگاهی است نظام یافته از علائم آوایی که ارزش آن‌ها به وسیله‌ی اجتماع تعیین شده است و گوینده و شنونده برای ایجاد ارتباط بین خود از ارزش قراردادی این علائم استفاده می‌نمایند.» (باطنی، ۱۳۸۰: ۱۴) و طبق تعریف نوام چامسکی (Noam chomsky) «مراد از زبان مجموعه‌ای از جمله-هایی است که هر یک از آن‌ها درازای محدودی داشته باشند و خود از مجموعه‌ای از اجزای محدود مرکب باشند» (به نقل از معینان، ۱۳۸۸: ۵).

تعاریف دیگری از زبان ارائه شده است که در هر یک از آن‌ها، مؤلفه‌ی خاصی محور قرار گرفته است. «دیویی» (Dewey) زبان را ابزار ابزارها می‌نامد. «پیاژه» (Piaget) معتقد است که زبان ابزار مرادده-ی اجتماعی است. «ویگوتسکی» (vigotesky) از زبان به ابزار اندیشه تعبیر می‌کند. در این سه تعریف جنبه‌ی ابزاری زبان بیش از سایر جنبه‌ها لحاظ شده است. آندره مارتینه (Andre Martinet) می‌گوید: زبان مجموعه‌ای از قراردادهاست که انتقال مفاهیم را در اثر یک عمل مضاعف رمزگذاری به مدد جمعی از نشانه‌ها و نمادها امکان‌پذیر می‌سازد. این تعریف بر جنبه‌ی دلالتی زبان تاکید می‌ورزد (وزیرنیا، ۱۳۷۹: ۱۹).

از نظر نشانه‌شناسانی چون «رولان بارت» (Roland barthes) هر نظامی که بتوان اجزائی از آن را در یک ساخت و ترکیب جدید ارائه کرد، زبان است. بنابراین تعریف، لباس پوشیدن، شیوه‌ی پذیرایی و آراستن منزل نیز نوعی زبان است؛ زیرا هر یک می‌توانند نشان دهنده‌ی شیوه‌ی تفکر، میزان صمیمیت و یا تکلفی باشند که هنگام برخورد با دیگران داریم. در معنایی وسیع‌تر از روابط انسانی، رقص زنبورهای عسل و آواز پرندگان نیز زبان است (همان).